

## دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه 7، عرصه جغرافیایی، قسمت 3

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۷، عرصه جغرافیایی، بخش ۳ است.

بسیار خوب. منطقه بعدی که باید در بررسی زمینه جغرافیایی درک باستان‌شناسی کتاب مقدس بررسی کنیم، شفله است. این کلمه عبری است و دوباره به معنای زمین پست است، اما در واقع به معنای کوهپایه‌ها و دره‌ها است و می‌توانید تصاویری از آن را اینجا و اینجا ببینید. و باز هم، این از دیدگاه بنی‌اسرائیل در منطقه کوهستانی گرفته شده است که به سمت غرب نگاه می‌کنند و آن زمین پست یا کوهپایه‌ها را در زیر پای خود می‌بینند، و اصطلاح شفله از آنجا آمده است. شفله مجموعه‌ای از دره‌ها است که از منطقه کوهستانی بیرون می‌آیند و راه خود را به سمت ساحل پیچ و تاب می‌دهند.

آنها به ترتیب هستند. دره آیالون، و باز هم اینجا جایی است که خورشید در کتاب یوشع در طول فتح ثابت ایستاده است. شهر اصلی در امتداد دره آیالون، جازر است.

و سپس در جنوب، دره سورق قرار دارد، و این دره در واقع از نزدیکی اورشلیم، دره رفائیم، شروع می‌شود یا به آن می‌رسد. و دره سورق دوباره به معنای قرمز است، احتمالاً به دلیل کشت انگور که در امتداد آن انجام می‌شد. و شهر اصلی آنجا، چیزی شبیه شهر دروازه، بیت شمش است.

و کمی پایین‌تر، تیمنا قرار دارد. و سپس در جنوب دره سورک، دره ایله قرار دارد که البته به خاطر نبرد بین داوود و جالوت مشهور است. اما شهر اصلی آنجا، شهر دروازه، آزیقه است که هم یک شهر اسرائیلی و هم یک شهر کنعانی است.

در جنوب، دره لاخلیش قرار دارد که محل لاخلیش، شهر اصلی لاخلیش، بر آن تسلط دارد. باز هم، این تصاویر تا حدودی تصویری از زمین‌های آنجا ارائه می‌دهند. دره‌ها و کوهپایه‌ها، تپه‌های کم ارتفاع، عالی برای کشاورزی وجود دارد.

اما به یاد داشته باشید، از نظر ژئوپلیتیکی، فلسطینی‌ها اینجا و بنی‌اسرائیل اینجا هستند. ما در اینجا در مورد زمینه پیش از سلطنت و اوایل سلطنت عصر آهن صحبت می‌کنیم. و بنابراین، شفله به عنوان منطقه مرزی عمل می‌کرد.

اینجا جایی است که جنگ‌ها، بیشتر جنگ‌ها و نبردها در آن رخ می‌داد. اگر بنی‌اسرائیل قوی بودند، فلسطینی‌ها را به دشت ساحلی عقب می‌رانند. اگر فلسطینی‌ها قوی بودند، بنی‌اسرائیل را به سمت تپه‌ها و حتی دورتر عقب می‌رانند.

خب، این به ما ایده‌ای از اهمیت شفله می‌دهد. اینجا دره جزیره است. می‌توانید بزرگراه مدرن را از دور ببینید.

اما باز هم، هم در دوران باستان و هم در دوران مدرن به خاطر جنگ‌ها و نبردهایی که در این دره رخ داده بسیار بسیار مشهور است. دره‌ای زیبا. و اینجا شهر بزرگی است که بر دره جزیره تسلط دارد، یعنی گزر.

و جازر هم یک شهر قدرتمند کنعانی و هم بعدها یک شهر اسرائیلی بود. شهری که سلیمان در کتاب اول پادشاهان آن را مستحکم کرد، به آن اشاره می‌کند. و این دروازه معروف سلیمان در جازر است.

می‌توانید فاضلاب شهر را که به اینجا می‌رود ببینید. روی آن سنگفرش شده بوده است. این دروازه داخلی شهر و شش اتافک و این دروازه شش اتافک معروف است که دوباره در اینجا نشان داده شده است.

یکی دیگر از بناهای معروف در گزر، مکان مرتفع کنعانی است، مجموعه‌ای از سنگ‌های ایستاده عظیم که نوعی منطقه عبادت برای کنعانی‌ها در عصر برنز بوده است. اکنون ممکن است این سنگ‌ها در دوران باستان با کتیبه‌ها یا نقاشی‌هایی گچ‌کاری شده باشند. و البته، این همه مدت‌هاست که پاک شده است، اما آنها هنوز با برجا هستند و در واقع اخیراً توسط بیل دیور در یک مقاله منتشر شده‌اند.

خب، مورد بعدی در جنوب، دره‌ی تاریخی است و این دره به خاطر داستان‌های کتاب داوران پیرامون سامسون معروف است. و سامسون، این نوعی پناهگاه او در طول زندگی‌اش است. و می‌توانید برخی از صحنه‌های آن دره را در آنجا ببینید.

بیت شمش شهر اصلی اینجا است. باز هم جالب است، شهر کنعانی‌ها و سپس اسرائیلی‌ها. و روایت صندوق عهد را به یاد دارید که در آن صندوق عهد در نبرد ابن‌عزر در نزدیکی افیق توسط فلسطینی‌ها به غنیمت گرفته شد و سپس در اطراف شهرهای فلسطینی‌ها چرخید و انواع مشکلات را ایجاد کرد، و فلسطینی‌ها آن را با یک گاری به بالای دره تاریخی بازگرداندند و مردان بیت شمش در حال کشاورزی بودند و دیدند که آن گاری در حال آمدن است و گاوها را قربانی کردند و از اینکه صندوق عهد خداوند دوباره به دست اسرائیلی‌ها افتاده بود، شادی می‌کردند.

بیت شمش چندین بار مورد کاوش قرار گرفته است، که آخرین مورد آن توسط دانشگاه تل‌آویو بوده است، و شواهد زیادی از سکونت در عصر آهن، به ویژه در قرن هشتم در آنجا وجود دارد؛ از قضا، بعداً در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد، اما مستحکم نبود. ما نتوانستیم دیوار شهری پیدا کنیم، که ممکن است معانی ژئوپلیتیکی جالبی داشته باشد. زورا، زادگاه سامسون، دوباره در بالای همین تپه وجود دارد، که امروزه پوشیده از درخت و پوشیده از جنگل‌کاری سرزمین مقدس است که در دو طرف دره اردن در حال انجام است.

دره‌ی الهه اینجا جایی است که داوود دوباره با جالوت جنگید و ما اینجا یک مرور کلی جالب از جایی که اتفاقات رخ داده است، داریم. خود دره‌ی الهه اینجا، این در شرق است، این در غرب است، و این مکان، مکان معروف امروزی خیریت قیافا، که ممکن است همان شعاری کتاب مقدس باشد، دوباره شکل دوگانه شعاری یا دروازه است زیرا دو دروازه در آنجا یافت شده است. آیا این دژ شائول بود یا دژ داوود؟ در مورد این موضوع سوالاتی وجود دارد.

آیا داوود اینجا یک دژ یا یک شهر ساخته است یا اینکه قبلاً توسط شائول ساخته شده است؟ اما بنی‌اسرائیل در این منطقه اردو زدند و سپس اردوگاه فلسطینیان در آن سوی دره قرار داشت و داوود و جالوت در همین منطقه، درست همین جا، جنگیدند. بنابراین، این یک نمای کلی خوب از میدان نبرد مانو ای مانو، یعنی نبرد تن به تن، ارائه می‌دهد. جالب اینجاست که آزیقه، دوباره در اینجا، در شهری مهم در یهودا، قرار دارد.

گات فلسطینیان، زادگاه جالوت، در دشت ساحلی، هنوز در دره‌ی الهه، در امتداد دره‌ی الهه، همینجا، بسیار دور است. ایده‌های قبلی در مورد شعاریم به این دلیل بود که فلسطینیان از طریق جاده به شعاریم فرار کردند. و یک پیشنهاد این بود که دو راه در اطراف عزیقه، دو دروازه به دشت ساحلی وجود داشت.

و این توضیح خوبی بود. اما حالا ما این شهر را با دو دروازه اینجا داریم و ممکن است این مکان پشت این نام باشد. و سپس کمی پایین‌تر، تل اس-صافی را داریم که قبلاً اسلایدهایی از آن دیده‌ایم

گان لومی تل تزفیت، باغ یا پارک بین‌المللی. تل تزفیت نام عبری تل اس-صافی یا گات فلسطینیان است. و شما این مجسمه‌های سربازان فلسطینی را در اینجا دارید که به بازدیدکنندگان از این مکان خوشامد می‌گویند

و آن یک شهر بزرگ است. و باز هم، در طول قرن نهم، بزرگترین شهری بود که ما در شام می‌شناسیم، بسیار بزرگتر از اورشلیم یا هر شهر دیگری، بسیار بزرگ. باستان‌شناسانی که در گات کار می‌کردند، یک سنگ قبر پیدا کردند که با نوعی از نام جالوت حکاکی شده بود، که در آنجا جالب است

کمی دورتر در امتداد دره لاختیش به سمت جنوب، مکان لاختیش را داریم. باز هم، یک شهر بزرگ، شهری بسیار بزرگ، دومین شهر بزرگ یهودا، پس از اورشلیم. ضمناً، این یک دیوار باستانی نیست

این دیواری است که در دهه ۱۹۳۰ یا بعد از آن برای تخلیه نخاله‌های حاصل از کاوش‌های اینجا که در اینجا ریخته شده بود، ساخته شده است، اما یک شهر بسیار بزرگ است. در اینجا دوباره یک تصویر هنری از آنچه که در زمان حمله آشوریان در ۷۰۱ قبل از میلاد به نظر می‌رسید، آورده شده است

شما می‌توانید این قلعه کاخ یهودی را در آکروپولیس ببینید. سکو هنوز هم وجود دارد و دیوارها آنجا هستند

و چندین بار حفاری شده است. در حال حاضر، فکر می‌کنم توسط یک گروه اتریشی در حال حفاری است. چند سال پیش توسط یک هیئت آمریکایی-اسرائیلی حفاری شد

و قبل از آن، البته، کاوش‌های بزرگ دیوید اوسیشکین. و قبل از آن، در دهه ۱۹۳۰ توسط جیمز لسلی استارکی. بنابراین، یک اثر هنری از دروازه‌های لاختیش که توسط نیروهای سناخریب مورد حمله قرار گرفته است.

در سال ۷۰۱ پیش از میلاد. خب، ماکدا، اگر یادت باشد، پس از شکست ائتلاف کنعانیان توسط بنی‌اسرائیل و یوشع، تمام پادشاهان کنعان در غاری به نام ماکدا پنهان شدند و در آنجا کشته شدند. و ورودی غار مهر و موم شد

و ماکدا احتمالاً مکانی به نام خربت القم است که در اینجا واقع شده و در دهه ۱۹۷۰ توسط دیور و جک هالیدی در دانشگاه تورنتو کاوش شده است. منتشر نشده است. کتیبه‌ها، آنها کتیبه‌هایی را در آنجا پیدا کردند که منتشر شده‌اند، کتیبه‌های خربت القم، اما خود مکان منتشر نشده است

متأسفانه، پروفیسور هالیدی فوت کرد، بنابراین نمی‌دانم چه کسی روی آن کار می‌کند. اما باز هم، این یک مشکل در باستان‌شناسی است

شما یک حفاری دارید و حفار فوت می‌کند. چه کسی این کار را انجام می‌دهد و آن را منتشر می‌کند؟ بدیهی است که وقتی استاد فوت می‌کند و وقتی حفار می‌میرد، اطلاعات از بین می‌رود. بنابراین، گزارش هرگز به خوبی قبل نخواهد بود مگر اینکه یادداشت‌های فوق‌العاده‌ای داشته باشند

از آنجا که اطلاعاتی که در سر آن کاوشگر است برای همیشه از بین رفته است، کتیبه‌های اینجا از یهوه و اشراه او و البته بیل دیور نام می‌برند، که روی آنها کار می‌کرد و آنها را در اواخر دهه ۱۹۶۰ در دانشگاه عبری

منتشر کرد. او از این موضوع بسیار گفته است و نشان می‌دهد HUCA، سالانه کالج اتحادیه عبری، بخشید که نوعی دین سرکوب‌شده از خدا، یهوه، خداوند، وجود داشته که همسر یا شریک داشته است.

و چیزی که به نظر نمی‌رسد دور متوجه آن باشد این است که کتاب مقدس در مورد این موضوع صحبت می‌کند. به آن تلفیق ادیان کنعانی و بنی‌اسرائیلی می‌گویند، ترکیبی که در تمام طول حیات اسرائیل و یهودا، آنها را به ستوه آورده بود. بنابراین، یافتن چیزی شبیه به این نباید جای تعجب داشته باشد.

این صرفاً یهودی‌ها و اسرائیلی‌ها هستند که تلفیقی از ادیان را به کار می‌برند و این دو دین را با هم ترکیب می‌کنند. و این یک دین عامیانه‌ی سرکوب‌شده و گسترده نیست که دور فکر می‌کند. این فقط توسط بسیاری از مردم انجام می‌شد، زیرا آنها جنبه‌هایی از هر دو دین را گرفته و با هم ترکیب می‌کردند.

بنابراین، عنوان وسوسه‌انگیز آنجا، عنوان تکان‌دهنده، اصلاً نباید تکان‌دهنده باشد. یکی از اولین مکان‌هایی که به طور سیستماتیک در سرزمین مقدس کاوش شد، مکانی به نام تل بیت میرسیم بود. ما هنوز نام باستانی این مکان را نمی‌دانیم.

آلبرایت فکر می‌کرد که آنجا محل سکونت دبیر است. متأسفانه اشتباه می‌کرد. اما این مکان در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ میلادی توسط ویلیام فاکسول آلبرایت کاوش و منتشر شد.

و برای زمان خودش عالی بود. این عکس خیلی جالبیه. این عکس سایروس گوردون در اوایل دهه ۱۹۳۰ هست که به چیزی که فکر می‌کردن یه دیوانه نگاه می‌کنه.

در واقع یک دستگاه پرس زیتون است، قسمت پایین یک دستگاه پرس زیتون. سایروس گوردون، من افتخار داشتم که در سال ۱۹۹۲ قبل از فوتش سخنرانی او را بشنوم. اما او یک محقق یهودی درخشان بود، فقط در مهارت‌های زبانی استعداد داشت و به نوعی فردی مستقل بود.

بسیاری از ایده‌های او کمی غیرمعمول بودند، اما او یک محقق بسیار بسیار تأثیرگذار در زمان خود بود. خوب، از شغلا به سمت تپه‌ها می‌رویم. و دوباره می‌توانید تفاوت را ببینید.

باز هم، مشابه منطقه کوهستانی افرایم و منسی، این منطقه کوهستانی یهودا است. و همان منطقه، زمین‌های مشابه اینجا. بیت‌ئیل و عای، در مورد آن صحبت خواهیم کرد و آن را در سخنرانی دیگری باز خواهیم کرد.

اما باز هم، مناظری از این منطقه تپه‌ای و برخی از مکان‌های معروف کتاب مقدس. باز هم، می‌توانید حومه اورشلیم را در افق اینجا ببینید، اما اینجا جیب، محل جبعون باستانی است. دوباره می‌توانید تراس‌بندی را ببینید، و شهر باستانی در اینجا در بالا قرار داشته است، که اکنون تا حدی توسط یک شهر فلسطینی پوشیده شده است.

در نزدیکی جیب یا جبعون باستانی، نبی سموئیل قرار دارد. و این در عربی به معنای پیامبر سموئیل است. ظاهراً جایی که او دفن شده است. اگرچه کتاب مقدس می‌گوید که او در آنجا دفن نشده است، اما در رومه دفن شده است.

و این، باز هم، یک مکان مهم است. این مکان در افق اورشلیم قرار داشت. کاوش‌های انجام شده در آنجا شواهدی از عهد جدید و عهد عتیق را کشف کرده‌اند، احتمالاً یک برج دیده‌بانی یا قلعه‌ای که از ورودی‌های اورشلیم محافظت می‌کرده است.

بعدها، هم ارتش‌های مسلمان و هم صلیبی در نبی ساموئل توقف می‌کردند و قبل از پیشروی، اولین نگاه خود را به شهر مقدس می‌انداختند. نبی ساموئل احتمالاً محل مرتفع جبعون نیز بوده است، نه خود جبعون بلکه مکان مرتفعی جدا از شهر. و شما می‌توانید از کوه زیتون، در افق، مسجد مسلمانان را در بالای نبی ساموئل، همانطور که امروزه دیده می‌شود، ببینید.

ضمناً، آنجا جایی است که سلیمان در آغاز سلطنتش برای حکمت دعا کرد. اینجا نمای خیلی اولیه‌ای از یک نمای مدرن از ویرانه‌های تل ال فول یا جبعه شائول، که به زبان عبری گیوات شائول نامیده می‌شود، دیده می‌شود. تل ال فول به سادگی به معنی تپه لوبیا است، که کمی خنده‌دار است.

اما احتمالاً محل جبعه باستانی است. اورشلیم، باز هم، در جنوب اینجا قرار دارد. این جاده اصلی است که به سمت شمال و به سمت شکیم می‌رود.

و این گوشه‌ای از ویرانه‌هاست. ابتدا توسط آلبرایت در دهه ۱۹۲۰ کاوش شد، سپس توسط پاول لاپ در دهه ۱۹۶۰، و برخی کارها نیز بعداً انجام شد. کار آلبرایت به اندازه کافی خوب نبود.

لاپ بهتر بود. باز هم، نمی‌توان کاملاً مطمئن بود که اینجا واقعاً محل جبعه شائول است، اما احتمالاً بهترین گزینه است. باز هم، یک پاورقی جالب مدرن دیگر.

اینجا یک ساختمان نیمه‌کاره دارید. این عکسی از آن ساختمان است که رو به اورشلیم است، که قرار بود کاخ تابستانی ملک حسین پادشاه اردن باشد. و این ساختمان در حال ساخت بود که جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ آغاز شد.

و آنجا، هنوز ناتمام، دور از دسترس پادشاه اردن قرار دارد. و هنوز هم هست. اما مکانی زیباست زیرا از جبعه یا از تل الفول، می‌توانید هم مدیترانه و هم دره اردن را ببینید.

آنجا منظره‌ی فوق‌العاده‌ای داری. و آنجا می‌توانست مکان ایده‌آلی برای یک کاخ باشد، چه شاه سائول باشی و چه شاه حسین. جنوب اورشلیم، درست در جنوب اورشلیم، آغاز دره‌ی رفائیم است.

و در واقع، شروع این دره در واقع مسیر جنوبی به اورشلیم است. و این از زمانی استفاده می‌شود که عثمانی‌ها یا بریتانیایی‌ها راه‌آهن را از یافا به اورشلیم ساختند. من معتقدم که عثمانی‌ها این کار را کردند.

آن راه‌آهن هنوز وجود دارد. دره رفائیم همچنین خط سبز بین کرانه باختری و اسرائیل بود. بنابراین، این منطقه در طول سال‌های بین جنگ‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ یک منطقه مرزی بود.

این منطقه، سبد نان اورشلیم بود. باز هم، مزارع، مزارع کوچک و روستاها در دره رفائیم پراکنده بودند و غذا می‌آوردند، غذا را هم در دامنه‌ها و هم در خود دره پرورش می‌دادند و مواد غذایی اورشلیم و اطراف آن را تأمین می‌کردند. در بالای دره رفائیم، قبل از اینکه به ابتدای خود در نزدیکی اورشلیم بپیچد، مکانی بر فراز تپه‌ای به نام رامات راحیل قرار دارد.

امروزه یک تفرجگاه مدرن و یک کیبوتص است. و این استخر آنجاست. و، اما، روی تپه یک مکان مربوط به عصر آهن قرار دارد.

این مکان مربوط به عصر آهن، اولین بار در دهه ۱۹۲۰ توسط بنجامین مزار و سپس توسط یوحنا آهارونی، دانشجوی مزار در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ کشف و کاوش شد. و بعداً، به گمان من، در سال ۲۰۰۷، دانشگاه تل آویو کاوش‌های گسترده‌ای در این مکان انجام داد و آن را از نو تفسیر کرد.

این تفسیر آنها از کاخ و دژ رامات راحیل است که قدمت آن به قرن‌های هشتم و هفتم و سپس به قرن ششم پیش از میلاد می‌رسد. این مکان احتمالاً حداقل در اوایل سلطنت عزیا تأسیس شده و توسط حزقیا نیز مورد استفاده قرار گرفته است. مرحله دوم توسط یهوایقیم ساخته شده است.

و این در کتاب ارمیا ذکر شده است، همانطور که ارمیا از یهوایقیم به خاطر خرج کردن پول برای کاخ‌های مجلل شکایت می‌کند و به او حمله می‌کند. و او چیزهایی را که در کاوش‌ها پیدا شده است توصیف می‌کند. شواهد بابلی و پارسی نیز از سکونت در اینجا وجود داشت، از جمله یک باغ مجلل و باغ‌های تراس‌دار در اطراف آن.

باز هم، مردم تل آویو، به رهبری اودد لیبشیتز، این مکان را بیشتر به عنوان یک مکان آشوری یا بابلی تفسیر کرده‌اند تا یک مکان یهودی، که به نظر نمی‌رسد فرهنگ مادی اصلاً با آن مطابقت داشته باشد. بنابراین، فکر می‌کنم آنها در تفسیر خود اشتباه می‌کنند. فکر می‌کنم این یک مکان یهودی بوده که در دوره پارس‌ها به عنوان یک مکان اداری مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

این مکان زیبایی است، واضح است که مکانی است که دوست دارید در آن کاخی با چشم‌اندازهای زیبا داشته باشید. و دوباره، نسیمی که از مدیترانه از دره پالایش بالا می‌آید به دامنه‌های غربی این دامنه تپه برخورد می‌کند. در جنوب‌تر در امتداد مسیر خط الراس، در جنوب اورشلیم، بیت‌لحم یهودیه قرار دارد.

و باز هم، بیشتر تاریخ آن، یک روستای بسیار کوچک، امروزه به دلیل ارتباطش با تولد مسیح در کلیسای میلاد یا زیر کلیسای میلاد، یک شهر بزرگ فلسطینی است. اطلاعات بسیار کمی در مورد اورشلیم عصر آهن در مورد عهد عتیق و همچنین عهد جدید وجود دارد زیرا روی آن ساخته شده است. و مکان‌هایی وجود داشته که کاوش‌های محدودی در آنها انجام شده و مواد عصر آهن در آنجا یافت شده است.

یادتان هست که داوود آرزوی آب چاه دروازه اورشلیم را داشت. و هیچ چشمه‌ای در آنجا پیدا نشد. می‌توانستند چاه‌هایی در آنجا حفر کنند، اما چشمه‌ای وجود نداشت.

اینها همه سوالاتی هستند که بی‌پاسخ مانده‌اند. حدود ۲۰ سال پیش، مقاله‌ای عالی در مورد توپوگرافی، منتشر شد. اما گذشته از آن (PEQ) بیت‌لحم منتشر شد که گمان می‌کنم در فصلنامه اکتشاف فلسطین، اطلاعات بسیار کمی در مورد بیت‌لحم در این دوره اولیه وجود دارد.

نام بیت‌لحم، البته، در زبان عبری به معنای خانه نان است. و به نظر می‌رسد که مربوط به دوران پیش از اسرائیل باشد. بنابراین، ممکن است نوعی اشاره به یک زیارتگاه کنعانی در اینجا، شاید برای یک خدای غلات یا چیزی شبیه به آن، وجود داشته باشد.

همه اینها حدس و گمان است. منظره زیبایی اینجا هست. من منظره‌ای حتی دراماتیک‌تر از بیت‌لحم اینجا در تپه‌های اطراف، بیابان یهودا اینجا، و سپس فراتر از شکاف، از روی شکاف می‌پرید و تپه‌های اردن، دشت‌های مادبا یا میثور کتاب مقدس را می‌بینید.

و اینجا آن منظره‌ی دراماتیک‌تر وجود دارد. دوباره، شما اینجا با تپه‌ها، لبه‌ی تپه‌ها با این، فکر می‌کنم روستای فلسطینی هستید. و سپس به بیابان یهودا در اینجا، که توسط این تپه‌ها نشان داده شده است، و سپس به دریای مرده می‌افتید.

بنابراین، شما اینجا شاید ۲۰۰۰ یا ۲۵۰۰ فوت ارتفاع داشته باشید، دریای مرده ۱۴۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا است. سپس پرتگاهی را دارید که می‌تواند دشت‌های موآب باشد، امتداد جنوبی دشت‌های موآب، جایی که بنی‌اسرائیل اردو زدند، کتاب اعداد. و سپس در نهایت، قله ارتفاعات ماوراء اردن، و این آغاز میشور دشت‌های مادبا است.

بنابراین، این یک منظره بسیار چشمگیر است که مناطق مختلف توپوگرافی و جغرافیایی را نشان می‌دهد. در آن بخش از سرزمین. کمی دورتر در جنوب، به هبرون، کوه هبرون می‌رسیم.

باز هم، این یک شهر است و از نظر باستان‌شناسی خیلی شناخته‌شده نیست. کارهای زیادی انجام شده است، اما بخش زیادی از تل باستانی هبرون توسط یک زیارتگاه اسلامی پوشیده شده و قابل کاوش نیست. این غار معروف مکپله، محل دفن بزرگان قوم است.

و ما در اسلایدشو دیگری بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. برخی دیگر از مناظر تپه‌های یهودا. و سپس به جنوب، به سمت جنوب صحرای نگب می‌رویم.

نقب به معنای باد خشک یا باد جنوبی است و این بخش جنوبی سرزمین مقدس یا سرزمین اسرائیل است. و نوعی منطقه گذار است. نقب کتاب مقدس در اطراف بئر شبع متمرکز شده است.

و یک نقب شرقی اینجا و یک نقب غربی در این سمت شهر باستانی بئر شبع وجود دارد. و این دوباره یک منطقه انتقالی است که می‌توان در سال‌های پرباران در آن کشاورزی کرد. کشاورزی در شرایط خشک امکان‌پذیر بود، اما در سال‌های خشک، خیر.

کشاورزی در آنجا امکان‌پذیر نبود. اما از نظر استراتژیک و نظامی منطقه‌ی مهمی بود، زیرا از سراسر نقب محافظت می‌کرد و از مسیرهای ادویه به بنادر غزه و اشکلون عبور می‌کرد. بنابراین، اگر نقب، به ویژه نقب دورافتاده یا نقب جنوبی را کنترل می‌کردید، در یک دقیقه در مورد آن صحبت خواهیم کرد؛ شما بر آن مسیرهای تجاری، مسیرهای ادویه، کنترل داشتید.

و این یکی از راه‌هایی بود که سلیمان می‌توانست درآمد زیادی را برای پادشاهی به ارمغان بیاورد، زیرا از آن کاروان‌ها عوارض می‌گرفت. در اینجا چند عکس از نقب و شکل ظاهری آن آورده شده است. یکی از مکان‌های اصلی در نقب شرقی، نقب کتاب مقدس، آراد است.

ما قبلاً در مورد آراد صحبت کردیم. و در واقع اینجا دو شهر وجود دارد. شهر، شهر برنزی اولیه، که در اینجا در جلوی تصویر می‌بینید، که یک شهر بزرگ است، که به خوبی حفظ شده و توسط روث امیران کاوش شده است.

و سپس ارگ اسرائیلی، یکی از قلعه‌های مرزی یهودا، که توسط آهارونی، هر دو در دهه ۱۹۶۰ کاوش شد. و چند تصویر دیگر نیز وجود دارد. می‌توانید خط دیوار شهر برنزی اولیه را با برج‌های نعل اسبی شکل، که بسیار مشخصه‌ی آن دوره‌ی اولیه است، ببینید.

و البته، دروازه اسرائیلی‌ها به درون ارگ بازسازی شده، بئر شبع، باز هم، مرکز آن است، چیزی شبیه ملکه نیگب. و ما قبلاً عکس‌هایی از آن، یا عکسی از آن، دیده‌ایم که توصیف می‌کند تل چه شکلی است.

اما می‌توانید برخی از کارهای بازسازی انجام شده را ببینید. این، باز هم، یک شهر برنامه‌ریزی شده بود. فقط به طور تصادفی ساخته نشده بود.

این بنا در عصر آهن توسط پادشاهی یهودا با دقت بسیار زیادی برنامه‌ریزی و ساخته شد. در جنوب نیگب، ارتفاعات نیگب قرار دارد. و باز هم، اینها اصطلاحات کتاب مقدس هستند.

بنابراین، وقتی در عبری مدرن می‌گوییم نیگب، منظور تمام بخش جنوبی و طولانی جنوبی کشور اسرائیل است تا ایلات. بنابراین، این هم باز اصطلاح کتاب مقدس است. ارتفاعات نیگب بسیار نامساعد، با این حال، بسیار خشک و ناهموار است.

مکتش رامون یک دهانه بزرگ است. مکتشیم یک اصطلاح منحصر به فرد اسرائیلی برای این فرورفتگی‌ها یا دهانه‌های زمین‌شناسی یا جغرافیایی است که در این منطقه پراکنده‌اند. آودوت شهری است که توسط نبطی‌ها ساخته شده است، شهری مربوط به دوران عهد جدید در ارتفاعات نقب، توسط نبطی‌هایی که پترا و برخی دیگر از شهرهای بزرگ در اردن و شمال عربستان سعودی را ساختند.

بیابان زین. اینجا جایی است که بنی اسرائیل، دوباره، در نیگب امروزی، ارتفاعات نیگب، اینجا جایی است که بنی اسرائیل در بیابان اقامت داشتند. تصویر دیگری از بیابان زین اینجا

حتی در این منطقه بسیار نامساعد، در قرن یازدهم یا دهم، مجموعه‌ای از قلعه‌های شبه‌نظامی بر فراز تپه‌ها در مناطق مختلف این پهنه ساخته شده بودند. و آنها، گاهی اوقات، به شکل‌های مختلفی بودند. آنها دایره‌ای بودند، یا فقط از توپوگرافی تپه پیروی می‌کردند.

اما این سوال بارها پرسیده شده است که چه کسی اینها را ساخته است؟ آیا آنها بنی اسرائیلی بودند؟ آیا تلاش‌هایی از سوی بنی اسرائیل برای سکونت در این منطقه، شاید در زمان داوود یا سلیمان، وجود داشته است؟ یا اینکه این مکان‌ها، مکان‌های غیربنی اسرائیلی توسط مردم بادیه‌نشین، مانند عمالیک یا سایر اقوام بوده‌اند؟ و این هنوز هم یک سوال بی‌پاسخ است. مقالات زیادی در این مورد نوشته شده است. یکی از این مکان‌ها به نوعی منحصر به فرد است که کمی بعدتر، اواخر قرن نهم و اوایل قرن هشتم، به هوروات تمان، که بیشتر با نام کونتیه اجروود شناخته می‌شود، تعلق دارد.

و وقتی در مورد مکان‌های قرن هشتم صحبت کنیم، بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اما مطمئناً مکان بسیار جالبی است. کدش بارنیه مکان دیگری در ارتفاعات بومی است.

باز هم، از نظر فنی، در سینای امروز، هم کونتیه اجروود و هم کدش برنیع در حال حاضر در مصر هستند، اما هر دو توسط اسرائیلی‌ها در طول اشغال سینا کاوش شده‌اند. می‌توانید برج‌ها، قلعه را اینجا، برج‌های اطراف قلعه مربعی شکل را ببینید. کدش برنیع، دوباره، جایی بود که بنی اسرائیل در آن اردو زدند زیرا چشمه‌ای در آنجا وجود داشت.

چشمه عین کدس نام کدش یا مقدس را که مشتقی از واژه مقدس است، حفظ کرده است. خب، در شرق نقب، عروه قرار دارد. این چشمه امتداد دره ریفت در جنوب دریای مرده تا خلیج ایلات یا خلیج عقبه، هر چه که می‌خواهید بنامیدش، است.

و این هم نوعی فرورفتگی است. کمی بالاتر از سطح دریا می‌رود و سپس با برخورد به خلیج ایلات، دوباره به سطح دریا برمی‌گردد. و همانطور که اینجا می‌بینید، اسرائیلی‌ها از این موضوع استفاده کرده و در آنجا جوامعی ساخته‌اند، از جمله یک یوتواتا، یک کیبوتص، که به خاطر شیر شکلاتش معروف است.

این یعنی شکلات. شیرکاکائو از واحه یوتواتا در آراوه وجود دارد. در ۱۵ یا ۲۰ سال گذشته، کاوش‌های گسترده‌ای در سمت اردنی مرز سیاسی انجام شده است.

این منطقه در میانه‌ی آن، بین اسرائیل و اردن قرار دارد. سمت اردنی، وادی فینان، دارای مکان‌هایی است که عملیات عظیم استخراج مس را کشف کرده‌اند. و این مکان اصلی خربت النحاس، یا به عبارت دیگر، ویرانه‌های مس، است.

دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو و تام لوی کاوش شده است. و برخی یافته‌های بسیار، UCSD و این توسط چشمگیر در آنجا، و همچنین در جنوب تیمنا، دره تیمنا توسط دانشگاه تل آویو، دوباره از طریق تاریخ‌گذاری رادیوکربن پیدا شده‌اند. آنها کاملاً واضح بوده‌اند که این فعالیت مربوط به قرن دهم در اینجا است، فعالیت معدنکاری، فعالیت عمده معدنکاری. واضح است که این فقط یک عملیات سازماندهی شده محلی نیست.

این آشکارا از یک حکومت پادشاهی بزرگ است که چنین کاری را انجام می‌دهد. و سوال این است که چه کسی؟ ما معتقدیم که این آشکارا کار سلیمان است. و این دروازه‌ای به مجموعه‌ی آنهاست.

و فکر می‌کنم آنها در واقع مدفوع الاغ‌ها را پیدا کرده‌اند که هنوز در این دروازه الاغ‌ها که در آنجا نگهداری می‌شوند یا در آنجا نگهداری می‌شوند تا صاحبانشان بار و بنه خود را باز کنند، حفظ شده است. یافته‌های شگفت‌انگیز و اکتشافات شگفت‌انگیز زیادی در آنجا وجود دارد. به هر حال، ما بیشتر در مورد آن صحبت کرد خواهیم کرد.

ایلات و اتریون جابر. این بندر است. این انتهای عروه است.

اینجا خلیج عقبه یا ایلات است. ایلات اینجا در جلوی تصویر است. شهر عقبه اردن هم اینجا قرار دارد.

مرز بین دو ملت در مرکز است. و جایی در این منطقه، بندر اتریون جابر سلیمان قرار داشت. آن کجا بود؟ این هم بحث دیگری است.

در اواخر دهه ۱۹۳۰، نلسون گلوک، باستان‌شناس خاخام معروف ما که قبلاً در موردش صحبت کردیم، مکانی به نام تل الخلیفه را درست در وسط عروه کاوش کرد. این عروه در اینجا رو به شمال است یا رو به جنوب. مطمئن نیستم کدام.

اما اینجا عروه است، محور شمال-جنوب. و چیزی را کشف کرد که به باور او اتریون جابر کتاب مقدس، یک بندر دریایی سلیمان، و مجتمع استخراج مس بود. و مجتمع استخراج مس با کوره‌ها و چیزهای دیگر که در کنار جاده پر شده بود، از آن تفسیر عقب‌نشینی کرد.

اما او هنوز معتقد بود که این همان بندر سلیمان در اتریون گبر است. مشکل این بود که این موضوع توسط گری پراکتیکو در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ دوباره مطالعه و منتشر شد. و پراکتیکو تشخیص داد که به نظر می‌رسد این سفال‌ها فقط به حدود قرن هشتم برمی‌گردند، نه قرن دهم، زمان سلیمان.

بنابراین، اگر این اتزیون گبر باشد، ما اینجا یک مشکل زمانی داریم. با این حال، در جنوب، فراتر از مرز بین اسرائیل و مصر، مکانی به نام جزیره مرجانی وجود دارد. و این تصویری از آن است.

فکر می‌کنم عکس‌های دیگری هم در راه است. و این جزیره‌ای بود که یک تالاب محافظت‌شده داشت و ممکن است پاسخ ما به محل اتزیون گبر یا بندر سلیمان باشد. تصویر بهتری از آنجا وجود دارد که به اردن و سپس عربستان سعودی در جنوب، در امتداد خلیج عقبه، مشرف است.

مکانی که بررسی و کاوش شده است. این یک قلعه قرون وسطایی در اینجا است. اما دیوارهای کازمات در اطراف آن وجود داشته و سفال‌های عصر آهن نیز در آن پیدا شده است.

آیا این مکان، محل عصیون جابر بوده است؟ احتمالاً. باز هم، این سؤالات بی‌پاسخ می‌مانند. بنابراین اگر آنجا عصیون جابر بوده، ما یک سؤال داریم.

تل الخلیفه که گلوک کاوش کرد چه بود؟ احتمالاً ایلات کتاب مقدس یا مکانی دیگر که توسط ادوم یا اسرائیل یهودا یا هر دو اشغال شده بود. بسیار خوب، پس ما از روی شکاف عبور می‌کنیم و از اینجا وارد ماوراء اردن می‌شویم. و به ارتفاعات ادوم نگاه می‌کنیم.

این مکانی است که عیسو و فرزندانش در آن زندگی کردند و پادشاهی ادوم را تشکیل دادند. و این، باز هم ماسه‌سنگ نوبیایی است، رنگ مایل به قرمز سنگ‌ها، دوباره، جایی که اصطلاح ادوم را از آدم می‌گیرید. و از نظر ارتفاع بسیار بلند است.

باز هم، این تپه‌ها تا ارتفاع ۳۵۰۰ فوت از سطح دریا بالا می‌رفتند. و با این ارتفاع، بارندگی کافی وجود داشت و می‌شد کشاورزی دیم انجام داد. اما در بیشتر موارد، مگر اینکه در ارتفاعات باشید، ادوم بسیار خشک و بایر بود.

این عکسی از پارک پترا است که مشرف به برخی از کوه‌های اطراف آن مکان باشکوه است. دوباره، ادوم کتاب مقدس. حالا، یک مکان دیدنی یا مکان معروف بسیار معروف در ادوم، کوه هور است.

کوه هور جایی است که هارون توسط موسی و قوم اسرائیل هنگام عبور از آن دفن شد. دسترسی به این مکان از طریق یک پیاده‌روی طولانی از پترا امکان‌پذیر است. و همانطور که در اینجا می‌بینید، مناظر آن دیدنی است.

این زیارتگاه در واقع یک زیارتگاه مسلمانان است. این بنا بر روی یک زیارتگاه بازسازی‌شده بیزانسی در زیر آن ساخته شده است. در واقع، کاوش‌های فنلاندی در همان نزدیکی، مجموعه‌ای از ساختمان‌ها را در پایین کوه کشف کرده‌اند که شاید یک شبکه پشتیبانی برای این زیارتگاه بوده است.

مطمئن نیستم. اما منظره‌ای باورنکردنی از کوه هور، یا امروزه به عربی جبل هارون نامیده می‌شود. و این هم منظره‌ای از ادوم به سمت آراوا و بیابان زین بیان.

بنابراین، دوباره، این یک منظره زیبا از تاریخ کتاب مقدس است زیرا شما آراوا را می‌بینید، و سپس در مه، که اینجا خیلی واضح نیست، بیابان زین، جایی که بنی اسرائیل به مدت ۴۰ سال در آن اقامت داشتند، قرار دارد. و سپس، در نهایت، تصویر خوب دیگری از ماوراء اردن از منظر منطقه کوهستانی. دوباره، منطقه کوهستانی بیابان یهودا، میدبار، دریای مرده، و سپس ارتفاعات اردن.

بنابراین، مناطق و زیرمناطق مختلف زیادی در سرزمین مقدس و شرایط آب و هوایی بسیار متفاوتی وجود دارد، برخی بسیار غنی، برخی بسیار خشک، اما تنوع بسیار زیادی از توپوگرافی و تفاوت‌های منطقه‌ای خیلی ممنونم.

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۷، عرصه جغرافیایی، بخش ۳ است.